

متن پرسش

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد معظم جناب آقای طاهرزاده: ببخشید آقای طاهرزاده با عرض پوزش ولی جواب شما ابهام را برایم نزدیک و به طور کامل قانع نکرد. ۱. اگر می‌گویید سالک الی الله همواره آرزوی کمال بالاتر را دارد، این سخن شما مناسب سالکی است که در حال سیر است و به کمال مطلق نرسیده نه کسی که فناء ذاتی که بالاتر از آن قادر به تصور نیست و نهایت آرزو و کمال و رستگاری انسان است و همچنین نه مناسب عارفی کامل بلکه به قول شما کامل مکمل و هیچ بنده ندیدم که عارفی کامل مکمل تاسف استفاده نکردن از استادی را بخورد زیرا معمولا سالکین رحل اقامت خود را برآستان کامل ترین و برترین استاد موجود می‌افکنند و به طوری که از آن استاد هم بعد ها کمال مدح و ستایش را دارند و خیلی او را می‌ستایند همانند قضیه علامه طهرانی با آقای حداد و مقداری دور از ذهن است که آقای خمینی بدانند عظمت مرحوم ملکی تبریزی را بعد برود سراغ کسی دیگر که بعدا باعث تاسف استفاده نکردن از او بشود. بعد کامل مکمل یعنی اسفار اربعه را تمام کردن در صورتی که کامل مکمل شدن یعنی رسیدن به تمام درجات عالم بقاء و رسیدن به بقاء اتم و تمکن در عالم بقاء در صورتیکه این درجه به ندرت برای اولیا الهی و کمترین عرفا حاصل می‌شود و همچنین از سید الطائفتین علامه طهرانی (ره) نقل است که انسان کامل به معنای کسی که اسفار اربعه اش تمام شده در هر قرن شاید یک یا دو نفر پیدا شود شاید هم نه. که البته مصداق حقیقی آن در این قرن امثال حضرت سید الطائفتین علامه طهرانی (ره) و حضرت سید هاشم حداد و علامه طباطبایی ۲. یک اصل واضحی است که هر عارف کامل استادی کامل باید داشته باشد مگر مجذوبین سالک. پس اگر ممکن است بفرمایید استاد آقای خمینی کیست؟ زیرا مرحوم ملکی تبریزی نبوده و پیش آقای شاه آبادی هم که عرفان نظری می‌خواندند پس ایشان از کدام استاد کاملی استفاده کرده که معلوم نیست و جایی گفته نشده. ۳. حرف شما مبنی بر سخن شریف امام علی (ع) به آن شخص، جواب سوال مرا نداد و سوال بی جواب ماند. شما می‌گویید انسان کامل که معصوم نیست. ما هم مگر غیر این را می‌گوییم منتهی بنابر مطالب راقی و عالی گفته شده توسط پسر علامه طهرانی انسان کامل در سه جا معصوم و بدون خطاست و این سه مورد را قبلا عرض کردم که یکی از آن‌ها مربوط به مسایل اجتماعی است. و قطعا اگر آقای خمینی انسان کامل بودند مورد فریب و اغفال بعضی افراد واقع نمی‌شدند پس دیگر در اینصورت طبق صحبت شما که ایشان کامل بودند پس اگر قرار است انسان کامل در این موضوعات خطا کند و فرق بین وفادار و متعهد و متعهد نما را تشخیص ندهد دیگر چه فرقی بین او و انسان های عادی است؟ تازه سخن صریح ایشان است که من گول ظاهر بعضی افراد

را خوردم و تمجید هایی کردم که بعدا آن اشخاص حقیقتشان را آشکار کردند. و قطعا از آن جایی که انسان کامل اشراف تام و کامل بر نفوس اشخاص دارد ایشان هم باطن آن شخص را بر خلاف ظاهری که داشت تشخیص می داد و به دنبال آن هیچ وقت آن شخص از مرتبطين صمیمی و مورد وثوق و اعتماد ایشان نمی شد. اگر ایشان کامل بود پس باید اشراف بر وجود این شخص داشت و روابط حسنه ای با آن شخص نداشت مگر اینکه باز هم توجیهاتی بکنیم و بگوییم ان وقت شخص خوبی بوده و نیت خیر داشته در صورتی که از صحبت خود آقای خمینی در وصیت نامهشان نتیجه بدست می آید که آن وقتی که ایشان از آن کس تمجید نموده آن شخص باز هم انسان درستی نبوده چون خود آقای خمینی تقریبا اینطور میگوید که به اشتباه تمجیداتی کردم یعنی انسان های خوبی نبودند و من به ظاهرشان نظر دادم و تمجید کردم. وگر نه اگر مثلا بنی صدر قبلا انسان خوبی بود و نیت خیر داشت اگر آقای خمینی تمجید هم می کرد خوب اشکال ندارد زیرا آن وقت خوب بوده و بعد نیتش عوض شده ولی از وصیت نامه امام این مطلب نتیجه گرفته نمی شود. و زیرا اگر گفته شود که انسان کامل که معصوم نیست و اشتباه می کند که در اینصورت دیگر باید گفت همه افراد جامعه کامل مکملند و دیگر هیچ تمایزی بین عرفا حقیقی و دیگران وجود ندارد. البته باز هم به نظرم سخنانم تاثیری در نظرات شما ندارد و شما باز هم توجیهات و تأویلاتی می کنید تا کمال ایشان را ثابت کنید. البته خدایی نکرده از ارزش ایشان کم نشود و بحث من در مورد کمال ایشان است وگرنه به قول علامه طهرانی اگر تا قیامت از نقاط مثبت و فضایل ایشان گفته شود تمام نمی شود. حال نظر شما چیست و خواهشا با دیده انصاف بنگرید. با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اجازه دهید در این موارد بنده با جنابعالی هم نظر نباشم. بنده طبق آیهی «کلّ یوم هو فی شأن» ظهور حق را در هر تاریخی، متفاوت می بینم و حضرت حق در این تاریخ، به نور حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» با ما سخن می گوید و ما را به فنا فی الله دعوت می کند و شهیدان را آینهی تمام نمای این سبک و سلوک به صحنه آورد. حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در این تاریخ، ارتباط واقعی عرفانی با خدا را در مقابل ما گشودند □ وگرنه ارتباط فکری و فلسفی که همیشه بود - همان طور که وقتی پیامبری به تاریخ وارد شد و متجلی به نور اسم خاص آن تاریخ گردید، نباید به دین پیامبر قبلی بود و در عین احترام به پیامبر قبلی، باید راه انس با خدا را در آخرین پیامبر پیدا کرد؛ امروز عرفانی که ما را با خدا مأنوس می کند تنها و تنها راه گشوده شده ای است که حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» گشوده اند و بقیه ی راه ها در عین محترم بودن، ما را در فضای خدای غائب و انتزاعی می برند و از این جهت بنده نگرانم که بعضی از عزیزان با خدای گذشته زندگی کنند و بعد به دنبال حالات عرفانی عرفای گذشته باشند که در زمان خود با خدای حیّ و حاضر زمان خود به سر می بردند. موفق باشید

